

### متن پرسش

سلام علیکم: پاسخ سوال ۲۵۰۹۴ را ارسال نکردید. با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این طور به صورت شخصی جواب داده شد: - باسمه تعالی: سلام علیکم:  
۱. به نظرم این لطف خداوند است که روح‌تان بنا دارد خود را بازخوانی کند تا از برزخی بگذرد.  
۲. نکته‌ای در کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» هست که عیناً خدمت‌تان ارسال می‌شود، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** مفید می‌افتد. موفق باشید

### امام و هدایت

مهم‌ترین وظیفه‌ی امام هدایت است که به چند صورت انجام می‌گیرد:

الف- تبیین وحی الهی و بیان حکم خدا، به این صورت که حقایق آسمانی را به مردم ابلاغ می‌کند تا انسان‌ها با در نظرگرفتن تعلیم امام، سعادت خود را بشناسند و مطابق آن عمل کنند.

ب- رهبری باطنی، به این صورت که امام از راه تأثیر در دل‌ها و جذب و کشش آن‌ها به سمت کمال، باطن آن‌ها را رهبری می‌کند تا استعدادها شکفته و نیروهای خفته‌ی انسان‌ها بیدار شود و هرکس به کمال مطلوب خود نایل آید که این کار را «هدایت به امر» می‌گویند.

هدایت به امر، هدایت ویژه‌ای است که قرآن از آن خبر می‌دهد و هر وقت از امامت سخن به میان آورده، از آن هدایت ویژه که به امر الهی تحقق می‌یابد یاد کرده است. می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» [۱] آنان را - یعنی ابراهیم و اسحاق و یعقوب - را امامانی قرار دادیم که مردم را به «امر» ما هدایت کنند. از طرفی قرآن در آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی یس در مورد امر خدا می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ» امر خدا این است که به شیئی‌ای بگوید «باش»، پس می‌شود و بلندمرتبه است خدایی که ملکوت هرچیزی به‌دست اوست. در آخر آیه روشن می‌کند که اشیاء دارای جنبه‌ای ملکوتی هستند که نزد خداوند است و در رابطه با همان جنبه است که اگر اراده کرد آن شیئی بشود، با یک اراده محقق می‌شود، بدون هیچ مانعی. از طرفی می‌فرماید: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ الْبَصَرِ» [۲] امر ما واحد است مثل چشم برهم زدن. یعنی امر خدا

تعدّبدردار نیست، پس مادي و تدريجي نیست.

در جمع‌بندی آیات فوق روشن می‌شود که هدایت‌کنندگی امام به «امر» با توجه به جنبه‌ی ملکوتی اشیاء انجام می‌گیرد و بر آن مبنا امام در جان انسان‌ها و در ملکوت آن‌ها تصرف می‌کند تا آن‌ها را به کمال مطلوب‌شان برساند و این نشان می‌دهد که هدایت امام به اراده‌ی طریق خلاصه نمی‌شود بلکه نحوه‌ی از تصرف در باطن انسان‌ها نیز در هدایت امام هست.

در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی انبیاء که بحث هدایت به امر امامان را طرح کرد، می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» و به آن امامان، فعل به کارهای خیر را وحی کردیم، و وحی کردیم اقامه‌ی نماز و دادن زکات را و آن‌ها از عبادت‌کنندگان ما بودند. دقت بفرمایید که وحی فعل خیر، يك نحوه تصرف تکوینی است در امامان توسط خداوند. چون می‌فرماید: فعل خیر را به آن‌ها وحی کردیم و نگفت به آن‌ها وحی می‌کنیم، که فعل خیر انجام بدهند، در نتیجه فعل آن‌ها همان وحی الهی است.

امام به واسطه‌ی سیطره بر ملکوت به هر موجودی به قدر استعدادی که دارد هدایت الهی را افاضه می‌کند و طبق آیه‌ی «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» این هدایت، رهبری افراد بشر است از راه ملکوت و نفوس آن‌ها. و به همین جهت می‌توان گفت: همیشه باید امام در عالم باشد تا چنین القاء روحانی بر مستعدین جریان یابد، چه آن امام در حاکمیت سیاسی و مدیریت جامعه حضور داشته باشد و چه نداشته باشد.

در اثر اتصال قلوب پیروان امام به قلب امام، معارف و علوم الهی در قلب پیروان امام جاری می‌شود و علت آن که مؤمنین در بهشت دارای نهرهای آب زلال هستند در اثر همین اتصال قلب و بهره‌مند شدن‌شان از چشمه‌ی فضایل امام‌شان است. چون با توحید و اقرار به حقانیت امام و پیامبر، قلب خود را آبیاری کرده‌اند.

---

[۱] - سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۷۳.

[۲] - سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۵۰.